



دیدگاه فخر رازی و اکوئیناس در باب قدم عالم

مترجم: عذرا لوعلیان لنگرودی

مسأله قدم عالم یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بود که اندیشمندان قرون وسطایی، اعم از یهودی، مسیحی یا مسلمان، به ناچار با آن درگیر بودند. این پژوهش، به بررسی و مقایسه نظریات فخر رازی و اکوئیناس، دو اندیشمند پیشرو به ترتیب از سنت اسلامی و مسیحی، در باب قدم عالم، می‌پردازد. در انتخاب موضوعی برای پژوهش، عواملی چند دخیل هستند. اما به نظر می‌رسد که سوابق تحصیلی و فرهنگی پژوهشگر در تعیین چنین انتخابی مؤثر است. آن‌طور که محمد آیدین^۱ به درستی یادآوری می‌کند، «نگرش سنت ترک نسبت به فلسفه به طور کلی و نسبت به فلسفه اسلامی به طور اخص، هیچ‌گاه خود را از تأثیری نقادی مشهور غزالی^۲ نسبت به فلاسفه، رها نکرده است.» تأثیر غزالی بر دانشجویان ترک‌تبار مدرن که درباره اندیشه اسلامی تحقیق می‌کنند، هنوز هم مشهود است. بنابراین، برای پژوهش حاضر، یکی از مسائلی که غزالی در نقادی‌اش نسبت به فلاسفه مطرح کرده، نقطه عزیمت خواهد بود. مسأله قدم عالم یکی از مهم‌ترین نکاتی بود که در نقادی غزالی از فلاسفه وجود داشت. افزون بر این، مسأله بالا نه تنها در میان اندیشمندان مسلمان قرون وسطی، بلکه در میان اندیشمندان مسیحی نیز به بحث گذاشته می‌شد. در میان اندیشمندان مسیحی، پیدا کردن هم‌تابانی چون بوناونتوره^۳ برای غزالی که موضع مشابهی علیه فلاسفه اتخاذ کرده بود، کار دشواری نیست. از این‌رو، انتخاب چنین موضوعی برای پژوهشگری که درباره تفکر اسلامی و مسیحی قرون وسطی مطالعات تطبیقی می‌کند، جذاب است.

اشاره:

مقاله حاضر برگردان فارسی

فصل نخست کتاب

Fakhr al-Din al-Razi
and Thomas Aquinas
on the Eternity
of the World

نوشته اسکندر اوغلی می‌باشد

که توسط انتشارات Brill

به چاپ رسیده است.

این کتاب به‌زودی

از سوی مرکز پژوهش‌های

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

منتشر خواهد شد.



اگرچه تأثیر غزالی نقطه آغاز بحث است، اما این پژوهش برای تأیید موضع او در سنت اسلامی یا موضع افرادی که در سنت مسیحی روش مشابهی اتخاذ کرده‌اند، کوشش نمی‌کند. هدف این پژوهش، نشان دادن امکان رهیافتی متفاوت در باب مسأله قدم عالم، در مکتب غزالی در سنت اسلامی است؛ همچنین در مکتب افرادی که در سنت مسیحی موضعی مشابه غزالی در پیش گرفته‌اند. برای چنین مقصودی، گزینش رازی و اکوئیناس معقول به نظر می‌رسد.

رازی نه تنها در مکتب اشاعره که غزالی هم به آن تعلق داشت، بلکه کلاً در علم کلام اسلامی نیز یکی از چهره‌های پیشرو بود. کار اصلی او هماهنگ کردن فلسفه، به ویژه فلسفه ابن‌سینا با الهیات اسلامی و تأسیس نوعی الهیات فلسفی بود که بر متکلمان بعدی تأثیر گذاشت. در چنین رهیافت تلفیقی، مسأله قدم عالم می‌تواند به عنوان یکی از مشکلات لحاظ شود. اگرچه اکوئیناس برخاسته از سنت متفاوتی است، اما موضع او شباهت‌های بسیاری با موضع رازی دارد. شاید بشود گفت که او در عصر و زمانه‌اش، چهره‌ای پیشرو بود؛ فردی که با بهره‌گیری از مواد به دست آمده از فلسفه یونانی و اسلامی روش جدیدی در الهیات مسیحی پیش گرفت. اما برای طرح او که سازگار کردن فلسفه، به ویژه فلسفه ارسطو، با الهیات مسیحی بود، مسأله قدم عالم مشکل جدی‌ترین بود. در نتیجه، نظریات رازی و اکوئیناس درباره این مسأله، برای کسی که در جست‌وجوی نتایج کوشش‌های تلفیقی آنهاست، اهمیت ویژه‌ای دارد.

برداشت کلامی اصلی‌ای که رازی و اکوئیناس از سنت‌هایشان ارث برده بودند، این بود که خدا تنها موجود قدیم است و هر چیزی غیر از خدا به وجود آمده و بنابراین آغازی داشته است. چنین دریافتی متضاد آن نظریه‌ای بود که آنها از گروه فلاسفه یونانی و اسلامی به ارث برده بودند که اعتقاد داشتند هر نوع آغازی برای جهان، غیرقابل قبول است.

در الهیات غالب اسلامی و مسیحی، تعدادی از عبارات قرآنی یا انجیلی به وصف آفرینش جهان پرداخته‌اند. چون خلق، ظاهراً به معنی به وجود آمدن از عدم است، از منظر وحی، جهان قدیم مخالف تعالیم وحی است. افزون بر این، از دیدگاهی عقلانی، چنین برداشتی از جهان، غیرقابل دفاع است. متکلمان مسلمان و مسیحی برای نشان دادن این که جهان نمی‌تواند قدیم باشد و از این‌رو باید آغازی داشته باشد، براهینی اقامه کرده‌اند. مهم‌ترین این براهین از اصل‌های ارسطویی درباره نامتناهی منتج شده‌اند. بنابراین، برهان مزبور مبنی بر این است که عدد نامتناهی فزونی نمی‌گیرد. چون روزهای گذشته در معرض افزونی هستند، نمی‌توانند نامتناهی باشند. همچنین محاسبه اعداد نامتناهی، غیرممکن است. با فرض وجود تعدادی نامتناهی از روزهای گذشته، رسیدن به امروز ناممکن می‌شد. علاوه بر این، جسمی متناهی صرفاً می‌تواند قدرتی متناهی داشته باشد. چون جهان متناهی است و قدرتی متناهی دارد، جهان نمی‌تواند از ازل موجود باشد. از نظر متکلمان، این براهین دریافت غالب را مبنی بر اینکه جهان بعد از اینکه عدم بوده به وجود آمده است، آشکارا اثبات می‌کنند. طبق نظر آنها، این برداشت منجر به اثبات خالق قدیم جهان و صفات قدیم او می‌شود. زیرا جهان صرفاً از طریق فعل خدا که آن را به وسیله اراده، قدرت و علمش آفریده است، می‌تواند به وجود بیاید. در نتیجه، جهان قدیم نمی‌تواند به‌سان فعل خدا لحاظ شود، زیرا معنی «فعل» به وجود آوردن چیزی بعد از عدم است و خدا نمی‌تواند به عنوان فاعل جهانی قدیم در نظر گرفته شود، زیرا چنین فاعلی باید فاقد علم و اراده بوده باشد.

اما از نظر فیلسوفان مسلمان، رابطه خدا با جهان به آن روشی که متکلمان آن را تبیین کرده‌اند، قابل درک نیست. برای اینکه جهان، قدیم یا موجودی بدون آغاز زمانی، لحاظ شود، دلایلی چند وجود دارد. اولاً با توجه به طبیعت یا ذات خدا، نمی‌توان جهانی را که حادث زمانی است به او نسبت داد. زیرا او علت کافی خلق جهان در ازلیت است، بنابراین تصور این که او در به وجود آوردن معلولش تأخیر کرده باشد، غیرممکن است.

همچنین این تصور که خدا پیش از صدور فعلش، در انجام آن قاصر بوده، غیرقابل توجیه است، زیرا چنین برداشتی مستلزم نسبت دادن تغییر در ذات خداست. علاوه بر این، صفات خدا مثل قدرت، علم و اراده بالضروره موجب خلق جهان از ازل می‌شود. ثانیاً با توجه به طبیعت جهان، می‌شود در تأیید قدم آن، تعدادی برهان

اقامه کرد. به عنوان مثال، می‌شود گفت که هیچ چیز نمی‌تواند از عدم به وجود بیاید. بنابراین، ماده زیرساخت جهان باید قدیم باشد. از آنجا که ماده بدون صورت نمی‌تواند وجود داشته باشد، جهان کلاً باید قدیم باشد. همچنین فرض آغازی برای جهان، همیشه تصور زمانی پیش از این آغاز را به همراه دارد. چون زمان مقدار حرکت است و حرکت نیز بدون جسم متحرک نمی‌تواند وجود داشته باشد، زمان، حرکت و اجسام متحرکی مثل جهان، باید قدیم باشند.

رازی و اکوئیناس به بررسی براهین متکلمان و فیلسوفان پرداختند. این پژوهش به بررسی دریافت آنها از خلق، به ویژه اینکه آیا خلق و قدم مفاهیمی متناقض‌اند یا خیر، ارزیابی آنها درباره براهینی که برای قدم یا حدوث زمانی جهان اقامه شده‌اند و نقش آنها در پیشبرد بحث در این موضوع، می‌پردازد.

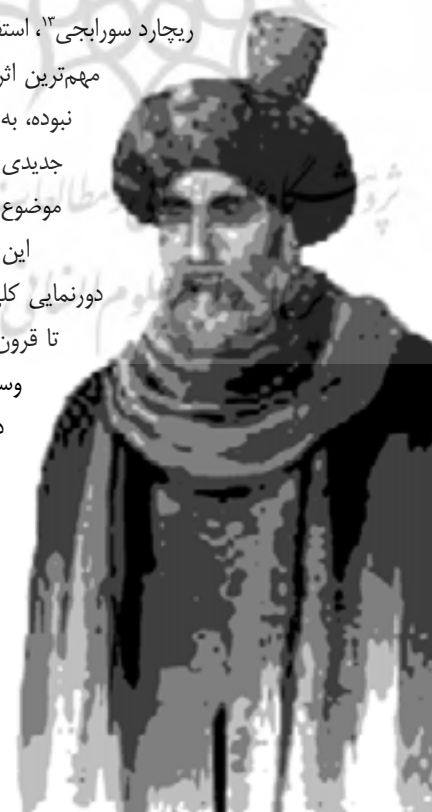
روش‌شناسی مورد استفاده این پژوهش، تحقیقی فلسفی - کلامی است و درباره بعضی از منابع اصلی و محوری رازی و اکوئیناس برحسب ترتیب زمانی آنها و منابعی که با مسأله قدم عالم در ارتباط هستند. بنابراین، پژوهش حاضر، تحقیقی است نظری و انتزاعی درباره براهین اصلی این دو اندیشمند در مورد فلسفه و الهیات. اما اندیشمندان نمی‌توانند از زمینه فرهنگی‌شان جدا شوند. بنابراین، محیط فرهنگی‌ای که آنها در آن اقدام به بررسی این موضوع کرده‌اند، لحاظ شده است. در بررسی نظریات آنها درباره مسأله مورد بحث، این پژوهش بر محصل، الاربعین فی اصول الدین، و المطالب العالیة فی العلم الالهی رازی، متمرکز شده است.

در مورد اکوئیناس، محور اصلی بر شرح بر عبارات^۵، خلاصه در رد امم ضاله^۶، در باب قوه^۷، خلاصه الهیات^۸ و در باب قدم عالم^۹ که منابع اصلی‌اند، گذاشته شده است. اینها مهم‌ترین آثاری هستند که بحث‌های تفصیلی رازی و اکوئیناس را در باب مسأله قدم عالم، عرضه می‌کنند. در تهیه سابقه‌ای برای بحث آنها درباره مسأله قدم عالم، در فصل اول، راجع به منابع اصلی مورد استفاده این اندیشمندان تا آنجا که ممکن بود، بحث شده است.

این پژوهش از تعدادی منابع درجه دوم نیز بهره برده است، اگرچه به ویژه از دو اثر اصلی، یعنی کتاب براهینی برای قدم، خلق و وجود خدا در فلسفه اسلامی و یهودی قرون وسطی^{۱۰}، نوشته هربرت آ. دیویدسون^{۱۱}، کتاب زمان، خلق و دوام، نظریاتی در دوران باستان و قرون وسطای متقدم^{۱۲}، نوشته ریچارد سورابجی^{۱۳}، استفاده کرده است. این پژوهش، با بهره‌گیری از آخرین و مهم‌ترین اثر رازی، مطالب عالییه که در دسترس این نویسندگان نبوده، به مباحث مربوط به نظریه رازی در باب قدم عالم، بعد جدیدی افزوده است. بالاخره، مقایسه بین رازی و اکوئیناس موضوع دیگری است که این پژوهش به آن پرداخته است.

این پژوهش دارای چهار فصل اصلی است. فصل اول دورنمایی کلی از سابقه تاریخی بحث درباره منشأ پیدایش جهان تا قرون وسطی ترسیم کرده است. از آنجا که بحث قرون وسطایی درباره این موضوع ریشه در تفکر فلسفی یونان دارد، این فصل با بحث درباره سه نظریه اصلی در فلسفه یونان، یعنی نظریه خلق از ماده از پیش موجود افلاطون^{۱۴}، نظریه قدم عالم ارسطو^{۱۵} و نظریه صدور ازلی افلوپین^{۱۶}، آغاز می‌شود. این بحث با بخشی درباره تعامل اولیه نظریات فلسفی یونان با سنت یهودی - مسیحی پی‌گیری می‌شود.

نتایج اصلی این تعامل عبارتند از: پذیرش اولیه نظریه خلق از ماده از پیش موجود و سپس صورت‌بندی نظریه حدوث زمانی جهان از عدم و





دفاع از آن در سطحی فلسفی. این بحث با استناد به نظریات فیلون^{۱۷} و جان فیلوپونوس^{۱۸} (یوحنا زرین دهن) که بهترین نمونه‌های این نتایج را عرضه کرده‌اند، انجام شده است.

بخش پایانی فصل اول به بحث دربارهٔ این موضوع در سنت اسلامی اختصاص یافته است. این بخش با گزارشی از نظریات متکلمان شاخص، با استناد به دو چهرهٔ پیشرو، باقلانی^{۱۹} و عبدالجبار^{۲۰} که هر دو مدافع نظریهٔ حدوث زمانی جهان از عدم بودند، آغاز می‌شود. این دو متفکر در دوره‌ای زندگی می‌کردند که از تأثیر فلاسفهٔ مسلمان، به ویژه ابن‌سینا، دور بودند. به همین دلیل، بحث آنها دربارهٔ این موضوع مهم است، زیرا سیر و تحول برداشت کلامی این موضوع را پیش از این تأثیر و پس از آن، نشان می‌دهد. این بخش با بحثی دربارهٔ نظریهٔ فلاسفهٔ مسلمان راجع به صدور ازلی با استناد به ابن‌سینا، پی‌گیری می‌شود. علت انتخاب او این است که ابن‌سینا در بحث‌های متعاقب راجع به این موضوع، چه در سنت اسلامی و چه در سنت مسیحی، مؤثرترین متفکر بوده است.



پاسخ‌های متفاوتی نسبت به صورت‌بندی نظریهٔ قَدَمِ عالم وجود دارد که با مراجعه به نظریات ابن‌سینا دربارهٔ آنها بحث شده است. بنابراین، بخش آخر این قسمت، بدو با حملهٔ غزالی نسبت به صورت‌بندی نظریهٔ قَدَمِ عالم، در ارتباط است. او معتقد است که این صورت‌بندی نه تنها به لحاظ عقلی غیرقابل دفاع است، بلکه مخالف اصول اساسی دین هم هست. این بخش با پاسخ ابن‌رشد^{۲۱} به حملهٔ غزالی نسبت به نظریهٔ قَدَمِ عالم که از موضع فلاسفه است، پایان می‌یابد.

فصل دوم به بحث تفصیلی دربارهٔ نظریهٔ رازی راجع به مسألهٔ قَدَمِ عالم می‌پردازد. این فصل اساساً از ساختار کتاب مطالب عالیه پیروی می‌کند، هر چند که این متن، ترجمهٔ تحت‌اللفظی آن اثر نیست. بلکه بازنمایی براهین اصلی، با استناد به براهین مشابه در دیگر آثار رازی است. بنابراین، فصل دوم ابتدا به تحلیل بحث رازی دربارهٔ موضوعاتی مثل تعریف آفرینش و موضع متون مقدس در باب مسألهٔ قَدَمِ عالم می‌پردازد.



این بحث با تحلیل تفصیلی رازی دربارهٔ براهین فلاسفه در تأیید قَدَمِ عالم و براهین متکلمان به سود حدوث زمانی جهان، پی‌گیری می‌شود.



فصل سوم به روشی مشابه، به بحث دربارهٔ نظریهٔ اکوئیناس راجع به همین مسأله، می‌پردازد. با پیروی از تقسیم‌بندی سه‌گانهٔ او در خلاصه در رد اُمم ضاله، این فصل ابتدا به تحلیل او دربارهٔ براهین فلاسفه در تأیید قَدَمِ عالم می‌پردازد. سپس تحلیل او را دربارهٔ براهین متکلمان در تأیید حدوث زمانی جهان، عرضه می‌کند. این فصل با بحث اکوئیناس دربارهٔ امکان یک جهان ازلاً مخلوق، به پایان می‌رسد.

سرانجام، فصل چهارم به مقایسهٔ نظریات رازی و اکوئیناس نسبت به مسألهٔ قَدَمِ عالم می‌پردازد و بعضی از شباهت‌ها و اختلافات بین نظریات و سنت‌های آنها را روشن می‌کند.

و اما نکته‌ای دربارهٔ اصطلاحات فنی و حروف‌نگاری: پژوهش حاضر از اندیشمندانی بحث می‌کند که به زبان

یونانی، عربی و لاتین می‌نوشتند. شاید بشود گفت که درباره ترجمه اکثر اصطلاحات فنی یونانی و لاتینی به زبان انگلیسی، کمابیش اتفاق نظر وجود دارد. اما این در مورد ترجمه اصطلاحات عربی به انگلیسی صادق نیست. به همین دلیل، اگرچه اصطلاحات یونانی و لاتینی حذف شده‌اند، اما اصطلاحات اصلی عربی با معدل‌های انگلیسی باقی مانده‌اند. در حروف‌نگاری واژه‌های عربی از ساختار معیار نشریه بین‌المللی مطالعات خاورمیانه^{۲۲} پیروی شده است. برای سهولت کار، حرف تعریف «ال» به جز در ضبط نام کامل افراد، از اسامی عربی حذف شده است.

یادداشت‌های مؤلف

- ۱- مهمت [محمد] آیدین، ترکیه، در تاریخ فلسفه اسلامی، با ویراستاری س.ح. نصر^{۲۳} و او. لیمن^{۲۴}. لندن، راتلیج^{۲۵}، ۱۹۹۶، ص ۱۱۲۹.
- ۳- آکسفورد، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۷۸.
- ۴- لندن، داک ورث^{۲۶}، ۱۹۸۳ ک.

پی‌نوشت‌ها

1. Mehmet Aydin.
۲. امام زین‌الدین ابوجامد محمدبن محمدبن غزالی طوسی، تولد ۴۵۰ هـ ق / ۱۰۵۸ م، وفات ۵۰۵ هـ ق / ۱۱۱۱ م. (م)
2. Bonaventure.
۴. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا ملقب به شیخ‌الرئیس به سال ۳۷۰ هـ ق / ۹۸۰ م در دیه افشنه متولد شد و در سال ۴۲۸ هـ ق / ۱۰۷۳ م در همدان وفات یافت. (م)
3. Scriptum.
4. summa contra Gentiles.
5. De Potentia.
6. Summa Theologiae.
7. De Aeternitate mundi.
8. Proofs for Eternity, Creation and the Existence of God in Medieval Islamic and Jewish Philosophy.
9. Herbert. A. Davidson.
10. Time, Creation and continuum, theories in antiquity and the early middle ages.
11. Richard Sorabji.
۱۴. Plato، افلاطون، تولد ۴۲۸/۴۲۷ ق.م، وفات ۳۴۸/۳۴۷ هـ ق. (م)
۱۵. Aristotle، تولد ۳۸۴/۳۸۳ هـ ق، وفات ۳۲۲/۳۲۱ هـ ق. (م)
۱۶. Plotinus، ملقب به الشیخ‌الیونانی، تولد ۲۰۴/۲۰۳ م، وفات ۲۶۹/۲۷۰ م. (م)
۱۷. Philo، فیلون اسکندرانی مشهور به فیلون یهودی، تولد ۲۵ هـ ق، وفات ۴۰ م. (م)
۱۸. John Philoponus، مشهور به یحیی‌النحوی الاسکندرانی، ملقب به محب‌الاجتهاد - محب‌التعب، وفات ۵۸۰ میلادی، به نقل از تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (جلد اول)، ذبیح‌الله صفا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱. (م)
۱۹. قاضی ابوبکر محمدبن طیب باقلانی، وفات ۴۰۳ هـ ق / ۱۰۱۳ م، اثر مشهورش التمهید است. (م)
۲۰. قاضی القضاة ابوالحسن عبدالجبار بن احمد الحمدانی معتزلی، وفات ۴۱۵ هـ ق / ۱۰۲۵ م. (م)
۲۱. ابوالولید محمدبن رشد، تولد ۵۲۰ هـ ق / ۱۱۲۶ م، وفات ۵۹۵ هـ ق / ۱۱۹۸ م. (م)
12. International Journal of Middle studies.
13. S. H. Nasr.
14. O. Leanan.
15. Routledge.
16. Duckworth